



□ اسماعیل تقی زاده - کتاله

تاریخ، هذا العلم العرب
احصاء»^۲

شمس قیس رازی هم به
دفعات این دو واژه را در کنار
یکدیگر و با یکدیگر آورده
است: «... و پیش از آن که در
نظم شعر شروع کند و به دعوی
شاعری میان دربندد، اوگ
مختصری در علم عروض و
قوافی برخواند تا بر بحور قدیم
و حدیث واقف شود و اوزان

خوش از ناخوش فرق کند و صحیح ابیات از
سقیم بشناسد و قوافی اصلی از معمولی تمییز
کند...»^۳

تألیف این فن به فارسی از قرن چهارم هجری
آغاز شده است.

متأسفانه آن گونه که شایسته است، توجه
جدی و لازم به این علم، بویژه در دوره های
متوسطه و دانشگاهی که در قالب واحد و کتاب
به دانش آموزان و دانشجویان عرضه می شود،
نشده است.

لذا بر آن شدیم تا روش ها و راه کارهای علمی و عملی
مناسبی را که درخور این درس و رشته می باشد، تقدیم
علاقه مندان و هم کاران ارجمند زبان و ادبیات فارسی بنماییم.

درآمد

مهم ترین سلاخی که دبیر ادبیات برای تدریس عروض و
قافیه می تواند بدان مجهز باشد، «سماعی شدن اوزان شعری»
در نزد اوست. بدین معنا که برای پی بردن به وزن ابیات یا
مصراع های مختلف شعری، به تقطیع ارکان یا هجاها نیاز
نداشته باشد و بتواند بلافاصله پس از قرائت یا شنیدن شعری،
وزن آن را به درستی بیان کند. اگر همکاری فاقد این سلاح
است، به وی توصیه می شود که تدریس این ماده ی درسی را
به عهده نگیرد و نامزد تدریس عروض و قافیه نگردد. به قول
نظامی:

تا نکند شعر تو را نامدار

نامزد شعر مشو زینهار

بخشی از این تجهیز به دانش آموزان بر می گردد. توجه
داشته باشید که اگر دانش آموزی نتواند قافیه و ردیف را در
بیت و یا ابیاتی مشخص کند، مسلماً برای یادگیری عروض
هم دچار مشکل خواهد شد.

عروض، میزان شعر

چکیده ی مقاله:

لرزم توجه جدی تر به عروض و ارائه ی
پیشنهادهایی عملی و کاربردی در کلاس های
آموزش عروض اساس این مقاله را تشکیل می دهد.
ارائه ی هر روشی که بر اساس تجربه ی عملی و علمی
همکاران محترم استوار باشد، بی گمان دیگران را به
کار خواهد آمد. هدف از انتشار این مقاله بررسی
آخرین دستاوردهای تجربی همکاران در تدریس
موفقیت آمیز این ماده ی درسی است.

یکی از علوم و فنون مهم ادبی، علم «عروض» است که
دارای قدمت دیرینه و سابقه ای چند صدساله می باشد. «علم
عروض را اوگ بار، خلیل بن احمد عروضی، از روی علم
موسیقی و ایقاع استخراج نمود و آن را در پنج دایره شامل پانزده
بحر تدوین کرد.»^۱ تألیف این فن به فارسی، از قرن چهارم
هجری آغاز شد که با گذشت زمان هم چنان این علم به دست
ادبای ایران و عرب کامل گردید.

از مؤلفان قدیم این علم، می توان به ابوالحسن علی
بهرامی سرخسی و بزرجمهر قاینی و مشهوری سمرقندی اشاره
کرد: جالب است که در هر جا نامی از عروض برده شده،
قافیه نیز در کنار آن دیده شده است و نشان از آن دارد که این دو
نسبت به هم لازمند و ملزوم و به نوعی مکمل یکدیگر به شمار
می روند.

عرب نیز عروض و قافیه را جزوی از دوازده قسم علوم
لازم بر می شمارد:

«صرف و نحو، عروض بعده لغة

ثم اشتقاق و قرص الشعر، انشاء»

«علم المعانی، بیان، الخط، قافیه

یک راه حل علمی و عملی برای رفع این نقیصه آن است که پس از تدریس هر درسی که به زبان نظم است، از دانش آموزان بخواهیم تا قافیه و ردیف آن شعر را تعیین کنند و تمامی دانش آموزان را موظف کنیم تا زیر وازگان قافیه و احیاناً ردیف، خط بکشند و آن گاه از چند نفر به صورت شفاهی، پرسش و پاسخ به عمل آوریم. مداومت در این کار موجب می شود تا دانش آموزان در جلسات متعدد، پس از خواندن هر شعری، ناخودآگاه به تعیین قافیه و ردیف آن شعر روی آورند.

همه ساله انواع و اقسام کلاس های ضمن خدمت برای آموزش معلمان و دبیران ارجمند در رشته های مختلف بویژه زبان و ادبیات فارسی گذاشته می شود اما کدام سال و چه وقت برای عروض و قافیه کلاس ضمن خدمت گذاشته شده و یا خواهد شد؟! آیا تا به حال به این موضوع اندیشیده شده است؟! و یا کسی زحمت مطرح کردنش را به خود داده؟! مگر عروض و قافیه به عنوان کتابی مجزا محسوب نمی گردد؟! مگر نباید دانش آموز مطالب آن را بیاموزد و در مراحل مختلف و بالاتر و احیاناً در زندگی خود از آن استفاده کند؟! پس چرا در بین کتاب ها و مقالات گوناگون ادبی از آن بسیار کم سخن به میان آمده و آن گونه که باید و شاید در بین معلمان ادبیات از ارزش و اعتبار لازم و جایگاه ویژه برخوردار نیست؟!

به نظر می رسد بسیاری از دبیران ادبیات با نوعی بی میلی و احیاناً تشویش خاطر بدین کتاب می نگرند و شاید هم تمایل چندانی به تدریس آن نداشته باشند؛ چون انگیزه ی لازم نسبت به این کتاب ایجاد نشده است و بسیاری از آنان آموزش های لازم را در این زمینه ندیده اند. اگر اندکی دقت نماییم، متوجه خواهیم شد که: کتاب عروض و قافیه یکی از کتاب های مهم و کاربردی از بین صدها کتاب در رشته های مختلف می باشد. گفتیم کاربردی زیرا علم عروض فن است و نهایت یادگیری این فن، به کار بستن صحیح آن در زمان ها و مکان های مناسب می باشد نه طوطی وار حفظ کردن آن. به خصوص شعرا و کسانی که روی به علم شعر می آورند، نیازمند و وابسته به یادگیری این فن خواهند بود.

پس اوکین گام برای آموزش فن عروض، «مشخص کردن هدف و غایت یادگیری آن برای معلمان ادبیات و دانش آموزانشان است.

اما چه کنیم تا کلاس درس عروض و قافیه، پر بارتر و با نشاط تر شود تا هم انگیزه ی لازم برای یادگیری در دانش آموزان ایجاد گردد و هم خود میل و رغبت برای آموزش دادن داشته باشیم؟

یکی از شیوه های مناسب برای تدریس تمام دروس - و نه فقط عروض و قافیه - روش استقرایی و دریافت مفهوم است.

در این شیوه که کلاس درس به طریقه ی دانش آموز فعال اداره می شود و رسیدن به اهداف برعهده ی خود دانش آموزان است، معلم دیگر متکلم وحده نیست. به زبانی دیگر، کلاس درس، آموزش بسته و یک سو به نمی باشد و با شرکت دادن تمام دانش آموزان در رسیدن به اهداف اصلی درس و مضامین موردنظر، فضای آموزشی از حالت سخنرانی یک طرفه بیرون خواهد آمد. به عنوان مثال فرض کنید می خواهیم از کتاب عروض و قافیه دوره ی پیش دانشگاهی، مبحث قواعد تعیین وزن شعر، خط عروضی، ص ۲۶، شماره ی ۵ را به دانش آموزان خود آموزش دهیم. به مراحل آموزش این قسمت با روش فوق توجه نمایید:

۱- دو یا سه مصراع که در آنها واژه های تشدیددار وجود دارد، بر روی تخته می نویسیم و از دو یا سه دانش آموز می خواهیم آنها را بخوانند.

(محمد کافریش هست خاکش) - (جز شیر خداوند جهان حیدر کرار) - (به جهان خرم از آتم که جهان خرم از اوست)
۲- آنگاه جدولی مطابق نمونه بر روی تخته رسم می کنیم و از دانش آموزان می خواهیم به دلخواه کلماتی را از بین این دو سه مصراع انتخاب کنند.

(البته به آنان یادآوری می کنیم که مطلب موردنظر و هدف اصلی ما به کلماتی که در ردیف «بلی» نوشته می شوند، ارتباط دارد.)

بلی	خیر

رضا: محمد - معلم: (آترا می نویسد و می گوید): بلی

حسین: جهان - معلم: خیر

علی: خاک - معلم: خیر

مهدی: کرار - معلم: بلی

منصور: خداوند - معلم: خیر

عباس: آفرینش - معلم: خیر

قاسم: خرم - معلم: بلی

جواد: شیر - معلم: خیر

۳- آن وقت از چند دانش آموز دیگر می خواهیم، چند

بل	خیر
محمد	جهان
کرآر	خاک
خرم	خداوند
	آفرینش
	شیر
.....
عزت	مایل
اوک	مکتب

لازم به ذکر است که این روش ممکن است در نظر بعضی از همکاران ارجمند، از نظر زمانی وقت گیر باشد اما اگر دقت درست و سرعت عمل مناسبی داشته باشیم، این هشت مرحله را می توانیم به راحتی به سه یا چهار مرحله برسانیم و این به مهارت و عکس العمل به موقع همکاران بستگی دارد. ما به خاطر ریز نمودن جزئیات و ارائه و تفهیم بهتر، روش مذکور را بسط و گسترش دادیم و به عنوان نمونه و جزوی از کل، آن را بیان کردیم زیرا ممکن است با تشخیص بسیاری از عزیزان، حتماً لازم نباشد که برای آموزش این قسمت از درس، شیوه ی مذکور به کار برده شود چرا که معتقدیم: «هر گلی بوی خودش را دارد». این شیوه به ما کمک می کند که کلاس را از حالت یک نواختی و دل زدگی خارج کنیم. به خصوص اگر تعداد دانش آموزان بیش از حد مجاز باشد، این روش، یکی از روش های مطلوب در امر تدریس است و به هیچ یک از دو طرف، معلم و دانش آموز، خستگی و بی حوصلگی دست نخواهد داد. توجه داشته باشیم که زمان برای ما بسیار مهم است و زیاد حرف زدن برای هیچ کس خوشایند نیست.

حال اگر بخواهیم برای آموزش همین قسمت کوچک، از شیوه ی «پرسش و پاسخ» استفاده کنیم، باز هم خواست و منظور ما تأمین خواهد شد چرا که یکی دیگر از شیوه های کاربردی و مطلوب آموزش در امر تدریس، روش «پرسش و پاسخ» است. در این روش، معلم با پرسش های متعدد و گوناگون از دانش آموزان درباره ی مطلب مورد نظر خود، آنان را به تفکر وادار می کند تا به سوی هدف اصلی رهنمون شوند. باید توجه داشت که پرسش و پاسخ از اکثر دانش آموزان صورت بگیرد و سؤال و جواب های کوتاه و مفید مورد نظر باشد.

در این شیوه، معلم نقش یک راهنما را بازی می کند. یعنی به نوعی هدایت کننده و ابزار کمکی دانش آموزان برای رسیدن به یادگیری مطلوب بخش یا بخش های مختلف تدریس به حساب می آید. به آموزش مطلب قبلی با روش «پرسش و پاسخ» توجه کنید: (جدول صفحه بعد)

ملاحظه می فرمایید که تدریس به روش یاد شده هم امکان پذیر خواهد بود. منتهی به اندکی ذوق و حوصله ی بیشتر نیاز دارد. البته در مراحل آغازین، ممکن است این شیوه ها اندکی وقت گیر به نظر برسد اما مطمئن باشید اگر بتوانید دانش آموزانتان را با روش های فوق یا شیوه های مطلوب و بهتری که به یقین، خود بر آنها واقف هستید، آشنا نمایید عادت و آموزش بدهید، برای دفعات بعد مشکلی نخواهید داشت.

یکی دیگر از روش های مفید برای پیشبرد اهداف در تدریس عروض و قافیه، استفاده از طرح درس مناسب می باشد.

واژه ی دیگر، خارج از مصراع های نوشته شده، ذکر کنند و معلم با نوشتن و گفتن بلی - خیر در ادامه ی واژگان یاد شده، آن ها را به سوی هدف اصلی نزدیک تر می کند. به عنوان مثال چند نفر می گویند: (عزت - مایل - مکتب - اوک - و ...)

۴- از آنان می پرسیم که فرق گروه نخست با گروه دوم در چیست؟ مسلماً همگی جواب خواهند داد که گروه (بلی) - تشدیددار هستند و گروه (خیر) بدون تشدید می باشند.

۵- حال به عنوان نمونه، سه واژه ی (محمد) - (خرم) - (عزت) را به همراه شکل تغییر یافته شان، مطابق نمونه و درج مصوت های کوتاه - بر روی تخته، جداگانه یادداشت می کنیم:

محمد (مُحَمَّد)

خرم (خُرْم)

عزت (عَزَزَت)

۶- یک نفر را پای تخته می آوریم و از او می خواهیم که دو واژه ی (کرآر - اوک) را به همان صورتی که ما نوشتیم، بنویسد و او هم این گونه خواهد نوشت:

کرآر (کَرَر)

اوک (اَووک)

۷- از آنان می پرسیم که این واژه ها چگونه نوشته شده اند؟ با جواب هایی که عنوان خواهد شد، یقیناً خواهند گفت که: حروف مشدد، دوبار نوشته شده است. پس این نتیجه را که خود به آن رسیده اند، یادداشت می کنیم:

(در خط عروضی، حروف مشدد، دوبار نوشته می شوند)

۸- اکنون به عنوان شاهد مثال، یک یا دو مصراع را به خط

عروضی می نویسیم.

/ اوک دفتر به نام ایزد دانا / پیر گفتا که چه عزت زین به /

هم قصه ی نانموده دانی / و ...

فعالیت‌ها و پاسخ‌های دانش‌آموز

فعالیت‌ها و پرسش‌های معلم

- ۱- تشدید
- ۲- یعنی یک حرف دوبار پشت سر هم تلفظ شود (راهنمایی معلم)
- ۳- عباس- قصاب- نجار- و ...
- ۴- ب- ص- ج- و ...
- ۵- برای آن که کلمات کوتاه تر بشوند و از نظر ظاهری هم زیبا به نظر برسند (راهنمایی معلم)
- ۶- حرف «م» را که تشدید دار است، دوبار پشت سر هم نوشتید.
- ۷- درنوشتن خطّ عروضی، حروف تشدیددار، دوبار نوشته می‌شوند (راهنمایی معلم)

- ۱- علامت تشدید را بر روی تخته می‌نویسد و می‌پرسد که به آن چه می‌گویند؟
- ۲- تشدید یعنی چه؟
- ۳- چند کلمه‌ی تشدیددار مثال بزنید:
- ۴- کدام حرف این کلمات تشدیددار است؟
- ۵- چرا این حروف را در زبان فارسی دوبار نمی‌نویسیم؟
- ۶- کلمه‌ی «هَمَّت» را به شکل «هِمَمَت» می‌نویسد و می‌پرسد که چه کرده است؟
- ۷- مصراع (پیر گفتا که چه عزّت زین به) را به صورت (پیر گفتا کج عزّت زین به) می‌نویسد و می‌گوید: من این مصراع را به خطّ عروضی نوشتم به نظر شما چه نتیجه‌ای می‌توانیم بگیریم؟

یادگیری به مراتب بیشتر. ضمناً توفیقی اجباری به دست خواهد آمد تا کتابی را هر از چندگاه ورقی بزنید و مروری کنید. اما صحبت از ضبط صوت و موسیقی به میان آمد. همان گونه که مستحضر هستید، بشر حس زیبایی شناسی دارد و موسیقی هم از نظر شنیداری زیباست و به زبانی دیگر، غذای روح بشر به شمار می‌رود. لذا معلمی که در کلاس‌های درس ادبیات خود بویژه در تدریس «عروض و قافیه»، از این وسیله‌ی کمک آموزشی استفاده‌ی صحیح کند، نشاط و شادابی بسیار زیادی را می‌تواند نثار خود و دانش‌آموزانش بنماید و کلاس درسش را از حالت یک نواختی بیرون بیاورد.

در درس عروض و قافیه، معلم می‌تواند پس از تدریس، زمانی که ارزشیابی پایانی از دانش‌آموزان را انجام می‌دهد؛ به فراخور ذوق و سلیقه و با آگاهی قبلی، دو یا چند بیت از ابیاتی را که قرار است به صورت موسیقی پخش شود، بر روی تخته بنویسد و از دانش‌آموزان بخواهد در حین پخش موسیقی، تکلیف مورد نظر اعم از نوشتن به خطّ عروضی، هجا کردن، تقطیع هجایی یا تقطیع به ارکان و ... را انجام بدهند و معلم نیز تکالیفشان را بررسی کند. این امر موجب می‌شود تا دانش‌آموز رغبت بیشتری به گوش دادن و انجام تکلیف از خود نشان بدهد. پخش موسیقی‌های اصیل و سنتی می‌تواند در فواصل تدریس هم انجام شود به شرط این که به اصل تدریس خدشه‌ای وارد نشود و یا احیاناً اتلاف وقت صورت نگیرد.

اگر بخواهیم دانش‌آموزان در دوره‌ی متوسطه راحت‌تر با کتاب عروض و قافیه کنار بیایند، لازمه‌اش گذراندن پیش‌نیاز و داشتن حضور ذهن قبلی نسبت به این درس است و چه زمانی مناسب‌تر از دوره‌ی راهنمایی؟!

نمی‌گوییم که دانش‌آموزان حتماً در سطحی بالا نسبت به عروض و قافیه کسب معلومات کنند بلکه همین اندازه که با

این نه به آن معناست که ما ملزم باشیم هر جلسه قبل از تدریس، تمام نکات ریز و جزئیات را یادداشت کنیم، بلکه می‌توانیم رئوس مطالبی را که در آن روز و آن جلسه قرار است عنوان کنیم، بنویسیم تا در حین تدریس، رشته‌ی افکار و کلام و فعالیت‌هایی که باید انجام پذیرد، از دستمان خارج نشود. بی‌شک این کار باعث خواهد شد تا ما بدانیم در این روز یا این جلسه، چه مطالبی را باید عنوان کنیم؟ چه بگوییم و چه نکنیم؟ یکی از مزایای استفاده از طرح درس، بازدهی مناسب و بیشتر و کاهش اتلاف وقت و احیاناً سردرگمی در کلاس درس است. متأسفانه بسیاری از ما تنها به جنبه‌های تئوری این طرح می‌پردازیم.

از دیگر شیوه‌های مفید در امر کمک به تدریس و تفهیم بهتر مطالب درسی، استفاده از وسایل کمک آموزشی مناسب می‌باشد اما هرگاه سخن از وسایل کمک آموزشی به میان می‌آید، فوراً گچ و تخته‌ی زبان بسته را پیش می‌کشیم. انگار نه انگار که ممکن است وسایل دیگری هم به کارمان بخورد؟! تا به حال چند بار من و شما از ضبط صوت و نوارهای موسیقی اصیل و سنتی در کلاس‌های درس ادبیاتمان استفاده کرده‌ایم؟!

چند بار کتاب‌های غیردرسی مرتبط با مطالب درسی را به کلاس برده و به دانش‌آموزانمان نشان داده‌ایم؟! استفاده از کتاب‌های غیردرسی که به نوعی با مطالب درسی می‌تواند ارتباط داشته باشد و آوردن آنها در جلسات متعدد به کلاس درس جهت آشنایی دانش‌آموزان با نام و محتوای کتاب‌های مذکور، بسیار مفید خواهد بود.

وقتی که شما در کلاس درس صحبت از مطلب یا مبحثی می‌کنید، اگر کتابی که با آن موضوع مرتبط است به دانش‌آموزان ارائه کنید، تأثیر سخن شما دوچندان خواهد شد و احتمال

چند اشکال از کتاب‌های عروض و قافیه‌ی دوره‌ی متوسطه

۱- زبان معیار کتاب اندکی دشوار به نظر می‌رسد. واژه‌هایی مانند (ابدال- مضامین- عذب- به اقتضای- و...) بنابراین بهتر است زبان کتاب تا حد امکان ساده و راحت و به دور از هرگونه تشریفات لغوی باشد.

۲- اشتباهات چاپی در بعضی صفحات به چشم می‌خورد در صورتی که این درس با هجاهای کوتاه و بلند و کشیده سر و کار دارد و باید دانست که یک جابه‌جایی کوتاه هجاها ممکن است موجب اشتباه دانش‌آموزان بشود. به عنوان مثال:

الف) در کتاب قافیه و عروض سال سوم نظام جدید صفحه‌ی ۲۷- بیت (مرنجان دلم را...) تقطیع هجایی آمده است. در مصراع دوم این بیت، واژه‌های (مشکل) و (نشیند) به اشتباه تقطیع شده‌اند در حالی که همین بیت در صفحه‌ی بعد درست تقطیع شده است.

ب) در کتاب قافیه و عروض سال چهارم نظام قدیم صفحه‌س ۶۰، بحث ذوب‌بحرین شماره‌ی ۱، هجای هفتم بلند (ب) چاپ شده است در صورتی که هدف مؤلف، وزن (مفتعلن، مفتعلن، فاعلن) بوده است زیرا هجای (س) دو حرف است و بنابراین باید این هجا به هجای کوتاه (U) تغییر پیدا کند.

در همین صفحه، شماره‌ی ۲، مصراع فوق به وزن (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن) تغییر پیدا کرده است اما از نظر چاپ، یک رکن (فاعلاتن) اضافه است و باید حذف شود.

۳- بهتر است یا مبحث ذوب‌بحرین و رباعی را از کل کتاب برداشت و یا به آن‌ها پرداخت. قرار دادن این دو بحث تحت عنوان (برای مطالعه) در کنار دیگر مباحث، صورت خوشایندی ندارد چرا که در بخش وزن در قالب مستزاد، سال چهارم نظام قدیم، صفحه‌ی ۶۳، می‌توان برای وزن شعری (مُسْتَعْلُ، مُسْتَعْلُ، مُسْتَعْلُ، فَعْلُنْ- مُسْتَعْلُ، فَعْلُنْ) گونه‌ی (مَفْعُولُ، مَفَاعِلُ، مَفَاعِلُ، فَعُولُنْ- مَفْعُولُ فَعُولُنْ) را هم آورد و یا در همین کتاب، صفحه‌ی ۵۹، بحث کاربرد گونه‌های مختلف رباعی، می‌توان گونه‌های: (مَفْعُولُ، مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُ، فَعْلُنْ) یا (مَفْعُولُ، مَفَاعِلُ، مَفَاعِلُ، فَعْلُنْ) و یا (مَفْعُولُ، مَفَاعِلُ، مَفَاعِلُنْ، فَعْلُنْ) را به جای گونه‌های ذکر شده‌ی رباعی آورد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ذیل عروض.
۲. دهخدا- همان.
۳. شمس قیس رازی، منتخبی از شاهکارهای ادبیات فارسی- المعجم فی معاییر اشعارالعجم- به کوشش ناصرالدین شاه حسینی، چاپ پنجم، ۱۳۶۹، انتشارات امیرکبیر- ص ۶۶

آهنگ و وزن یک شعر به صورت شنیداری آشنا شوند، آمادگی لازم برای یادگیری بعدی در آنان ایجاد خواهد شد.

به این دو نمونه سؤال پیشنهادی توجه کنید:

۱- کدام یک از مصراع‌های زیر، از نظر خواندن با بقیه فرق دارد؟

الف) خاک ضعیف از تو توانا شده ()

ب) مزن بر سر ناتوان دست زور ()

ج) بهتر از آن دوست که نادان بود ()

د) برزگری پند به فرزند داد ()

۲- این بیت از نظر آهنگ و وزن، با کدام یک از ابیات زیر یک سان است؟

«زدست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند دل کند یاد»

الف) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن / کسه نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را ()

ب) بشنو این نی چون شکایت می‌کند/ از جدائی‌ها حکایت می‌کند ()

ج) در دایره‌ی قسمت ما نقطه‌ی تسلیمیم / لطف آنچه تواندیشی حکم آنچه تو فرمای ()

د) دلا غافل ز سبحانی چه حاصل

مطیع نفس شیطانی چه حاصل ()

به نظر شما آیا دانش‌آموز دوره‌ی راهنمایی و حتی ابتدایی، با اندکی ممارست، پاسخ‌گوی صحیح این دو پرسش نمی‌تواند باشد؟ لذا تمرین‌هایی مشابه با سؤالات فوق می‌تواند در صدی از اهداف مورد نظر ما را تأمین کند.

در عروض و قافیه‌ی دوره‌ی متوسطه، به خاطر سپردن نام بحور مختلف شعری ممکن است برای دانش‌آموزان مشکل‌آفرین باشد و به راستی هم چنین است زیرا حفظ بحرهای مختلف شعری، کار چندان ساده‌ای نیست. برای حل این مشکل و برای این که دانش‌آموز بتواند وزن یک شعر را با نام بحر آن به راحتی بفهمد و به خاطر بسپارد، می‌توان چند تک‌بیت مشهور از شعرای مختلف را که در آن وزن و بحر سروده شده‌اند، بر روی تخته‌ی کلاس یادداشت کرد و از دانش‌آموزان خواست که بر حسب علاقه و به دلخواه خود یک بیت از آن ابیات را بنویسند و حفظ کنند. این شیوه یکی از بهترین شیوه‌های آموزش وزن‌ها و بحرهای مختلف اشعار است چرا که وقتی دانش‌آموز بیت مشهوری را از روی علاقه به خاطر می‌سپارد، کافی است آهنگ بیت مورد نظرش را با وزن شعری که می‌شنود یا می‌خواند تطبیق دهد. در اینجاست که نام وزن و بحر آن شعر را هم خودبه‌خود به یاد خواهد آورد.